

ارزیابی عملکرد، رهیافتی بر مدیریت پروژه‌های فرهنگی و هنری

سید بدرالدین احمدی * حسن بلخاری **

حسنعلی پورمند *** میترا افضل ****

چکیده:

نیاز جوامع پیشرفته به توسعه‌ی فرهنگی با حفظ توانمندی نفوذ کیفی در فرایند اطلاعات و ارتباطات، راهبردی همه‌جانبه در شرق و غرب به حساب می‌آید. جایگاه فرهنگ، آموزش، پژوهش، فناوری، توسعه‌ی صنعت، گسترش هنر و همکاری اجرایی و مدیریتی، مباحث و موضوعاتی هستند که در تدوین، فعال‌سازی و ارتقای جایگاه علمی و ارزیابی فرهنگ کشورها و ملت‌ها نقش اساسی بازی می‌کنند. پذیرش نظارت و ارزیابی نوین که حاصل بازنگری و اصلاح در یک سیستم کیفی و کمی است، از دستاوردهای چند دهه‌ی اخیر مراکز علمی، مجامع مرتبط با فرهنگ ارزشیابی در جوامع پیشرو می‌باشد. در این مقاله‌ی تحقیقی، دستاورد مدیریت نظارت و ارزیابی با ارائه‌ی ایده و ایجاد شرایط و ضوابط حاکم بر نشانگرهای نظارت و ارزشیابی به صورت نقشه‌ای علمی بر پایه‌ی دانش روز با عنوان شاخص‌های اثرگذار بر نقشه‌ی مهندسی نظارت و ارزیابی عرضه شده است. عمده‌ترین شاخص‌های مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی برای محصولات و دستیافته‌های فرهنگی و هنری، همچون

محصولی صنعتی اگرچه دستخوش برآورد زمان و هزینه صنعتی بوده، اما با تأثیر مدیریت کیفیت نظارت و کیفیت ارزیابی، زمینه رهیافتی مقدماتی برای ایجاد محیط و فضای عمیق نظارت مستمر با تبعیت از معیارهای کیفی، مورد ارزیابی قرار گرفته است. جدی‌ترین شاخص‌های حاصل‌شده شامل: آزمون کیفیت، اندازه‌گیری کیفیت با معیار نظارت، اصلاح کیفیت ارزیابی، پژوهش کیفی در نظارت و بازنگری مدیریت کیفیت ارزیابی است. تأثیرپذیری مداوم از فرآورده‌های علمی، پژوهشی، اجتماعی و اقتصادی در هر موضوع نظارتی دور از انتظار نیست. بدین‌جهت پذیرش تأثیر مثبت برای حفظ کمیت و کیفیت ارزیابی راهکاری برگرفته از نظارت عمومی و خصوصیات مطلوب در عرصه‌های علمی، عملی و تحول‌مدار است. اثرپذیری سیستمی فرهنگ جامعه در فرایند تغییرات سازمانی بر پایه هرم تولید تصمیم، ارزیابی تصمیم و تصمیم‌گیری اجرایی، با نظارت و ارزیابی مستمر در پروژه‌های آموزشی، فرهنگی و هنری صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مدیریت نظارت، ارزیابی عملکرد، پروژه فرهنگی و هنری، کیفیت ارزیابی.

* کارشناس ارشد (مرئی آموزشی)، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس ** دانشیار، رشته فلسفه هنر، دانشگاه هنر (تهران) *** استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس **** دانشجوی رشته مدیریت پروژه، دانشگاه پیام نور

مقدمه:

مدیران ارشد سازمان‌ها و نهادهای علمی، نظارتی، ارزیابی، فرهنگی و هنری، سیاسی و خدماتی براساس قوانین و مقررات مطلوب و مصوب ملی، سعی در پیاده‌سازی فرایند ارزشیابی و تأثیر آن در جامعه دارند. نتایج عمده‌ی این تحقیق به کاربرد علوم و فنون مدیریت کیفیت نظارت در تحول اجرایی و مهندسی نظارت و ارزیابی طرح‌ها، مدیریت پروژه‌ها، فنون، مهارت و خدمات در کشور اشاره دارد. میزان تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم به خصایص و ویژگی‌های مدیران و شیوه‌های اجرا بازمی‌گردد. از این رو، در مقابل تحقیقات انجام شده یا آموزش‌های توسعه‌یافته بر اساس شاخص‌ها و مؤلفه‌های قوام‌یافته نظارتی، اثر تغییرپذیر و حتی اصلاح‌پذیر مسیر ارزشیابی یا مستندات مرتبط با آن به مقوله‌ای جدی و کاربردی تبدیل می‌شود. جایگاه نظری و تعاریف عملیاتی نظارت عمومی و کیفیت نظارت در سازمان‌های مرتبط با نظارت جامعه از موقعیتی ویژه برخوردار است. اثر مدیریت مطلوب و انتظار از فعالیت مدیر مطمئن از مؤلفه‌های دیگر ارتباطی در توصیف و توضیح بحث شناخت و تکامل آزاداندیشی در امور نظارتی و حتی کیفیت ارزیابی است. از سویی دیگر، می‌توان در بخش ویژگی‌های مطلوب پایشی، در چند حوزه تمایلات نظارتی، ارزش‌ها، اندیشه‌های فعال، آگاهی روزآمد، رفتارهای سازماندهی شده، قدم‌هایی برای طراحی، تولید و توسعه کیفیت ارزیابی برداشت که به طور مستقیم توسط مدیر آگاه، فعال و خلاق از متن اجتماع بیرون کشیده شده است. {۱۲، ۱۴}

در مرحله‌ای دیگر، با تأثیر تمایلات غیرمستقیم چنین استنباطی قابل طرح است زیرا اهل علم و تحقیق، علاقه به پیشرفت، آزاداندیشی در فرآیندهای مرتبط با پایش، امنیت اجتماعی و نظارتی، عدالت‌خواهی و نوع‌دوستی، پابندی به آداب و سنن ملی، جانبداری از فرآیندهای دینی و اعتقاد به نظم و قانون نیز می‌تواند تأثیری شایسته تدبیر، بر پیکر اجتماع و نهایتاً کیفیت نظارت و ارزیابی داشته باشد. در جامعه ایرانی - اسلامی طی سی سال گذشته، انتظارات و محک‌های متفاوتی در فرآیند کیفیت و کمیت نظارت و ارزیابی بروز داده شده و هر یک تأثیر خود را در مدتی نه چندان دور آشکار کرده است. از سوی دیگر، شناخت از نظریه‌ها و دانش ارزشیابی، استخراج فنون نظارت، شناخت از عوامل و عناصر اثرگذار نظارتی، تمایل و تقابل مردم با نظارت و نظارت با مردم، آگاهی از شرایط زمان و مکان و در نهایت اطلاع از تحولات ملی و جهانی اثرگذار بر فرایند نظارت، به‌ویژه کیفیت نظارتی، موضوعی قابل اعتنا و گسترش می‌باشد. {۳، ۸}

در این مقاله سعی شده است نیاز و ضرورت کیفیت نظارتی و معیارهای مرتبط، سیستم سازی در کیفیت فرهنگ نظارتی و بهبود مستمر، روش‌های معرفی و توسعه‌ی کیفیت نظارتی و به‌دنبال تأثیر شاخص‌های اولویت‌دار مهندسی نظارت و ارزشیابی و نقشه علمی مبتنی بر فرهنگ و در بخش پایانی، دستاوردهای مهندسی ارزیابی از مدیریت

کیفیت نظارت، به همراه اقلام توسعه‌آفرین فرهنگی مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. به دلیل اهمیت موضوع فرهنگ و مدیریت کیفیت نظارت، تکیه‌گاه اصلی پژوهشگران بر مهندسی و مدیریت کیفیت نظارت و از طرفی مهندسی و مدیریت ارزشیابی بر اساس پایه‌های آئینی، دینی و ملی و همچنین بعضی مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی و از طرفی دیگر، مجموعه‌ی کتاب‌ها، مقالات و آثار مرتبط با مدیریت پایش در سیستم‌های استاندارد و بعضاً فرآیندها و تکنیک‌های استاندارد در مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی، مورد توجه قرار گرفته است. {۲، ۶}

نیاز و ضرورت نظارت و ارزیابی مستمر

کیفیت فرهنگ نظارتی ضرورتی قطعی و مهم برای بقای فرهنگ ارزشیابی در درازمدت می‌باشد. برای تحقق بخشیدن به نیازها و خواسته‌های پنداری، گفتاری و کرداری در جامعه که رضایت عرفی، دینی و آئینی را به دنبال دارد، استقرار نظام کیفیت در فرهنگ، هنر و خدمات لازم است. رضایت از فرهنگ با ارائه و گسترش کیفیت در مسیر زندگی بسیار حائز اهمیت است. کیفیت فرهنگ نظارتی با دیرینه و پیشینه جامعه رابطه دارد و حفظ، نگهداری و ارزیابی آن هزینه‌بر دارد. در برنامه‌ریزی برای تدوین و تنظیم ساختار فرهنگی نیاز مبرم، به سیستمی مناسب که ضرورت‌های گذشته، حال و آینده را پیوند دهد، مشاهده می‌شود. برای ایجاد این سیستم جایگاه افراد، موضوعات و انتظارات فرهنگ نظارتی باید روشن و تعریف شده باشد. معیارهایی که طبقه‌بندی اجزای این سیستم را آشکار می‌سازد، باید به‌طور مشخص بین افراد مسئول تقسیم شود و این افراد موضوعات و انتظارات فرهنگ نظارتی را به صورتی پیوسته در فهرست برنامه‌های اجرایی قرار دهند. بعضی از این موضوعات به عنوان موضوع اصلی و بعضی دیگر فرعی به حساب می‌آیند که موضوعات اصلی به لحاظ قابلیت طرح و اجرا و حتی بهره‌برداری به حفظ کیفیت نیاز مبرم دارد. {۳، ۵}

جایگاه معیارهای مورد توجه در فرآیند کیفیت فرهنگ نظارتی لازم است به مهار ابعاد و کنترل محدوده‌های فرهنگ در جامعه متصل باشد. در این شرایط زیر ساخت‌ها و پایه‌های فرهنگ نظارتی نیز به حفظ و تثبیت اجزای آن مرتبط شده و با حفظ معیارها به شیرازه‌ای محکم برای تولیدات نظارتی تبدیل می‌شود. با گذشت زمان و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه وابسته به سیستم‌های نزدیک به معیارهای کشوری با معیارهای آئینی و منطقه‌ای، تغییرات جزئی و کلی در نظام فرهنگ نظارتی به وجود می‌آید. این تغییرات نباید به کیفیت و ابعاد کیفیتی جزئی و کلی آسیب برساند. برای حفظ این شرایط و اعمال برنامه‌های فرهنگ نظارتی، تعریفی ظریف و دقیق جهت معرفی محدوده‌های این برنامه ارائه می‌شود. اندازه‌گیری معیارها و نگهداری شاخص‌های اثرگذار برای جلوگیری از تولید و عرضه ضایعات فرهنگی و هنری، لازم است مجموعه‌ای مدیریتی بر تغییرات جزئی و کلی فرهنگ نظارت کنترل داشته باشد. در این شرایط و انتقال ضوابط در هنگام برنامه‌ریزی، تولید و توسعه‌ی فرهنگ نظارتی، نیاز و ضرورت حضور مدیر فرهنگ نظارتی لازم است. مدیر

فرهنگی با مسئولیت خود در حفظ و گسترش معیارهای کیفیت‌زا در فرهنگ نظارت، پاسدار حریم معنایی و مصداقی از توانمندی‌های علمی و ارزشی جامعه خواهد بود. {۷،۹،۱۱}

راه اندازی تیم مدیریت پروژه فرهنگی و هنری

برای شکل‌گیری صحیح، دقیق و کیفی تیم پروژه و همچنین اجرای پروژه‌های موفق، لازم است ماتریس جزئیات پروژه ترسیم گردد. چرا چنین کاری لازم است؟

- برای تعیین محدوده پروژه
- برای کنترل تغییرات و اعمال تغییرات
- برای اتصال زیر پروژه‌های تعریف شده
- برای تدوین منابع همزمان
- برای پیشگیری از انحراف مجریان پروژه
- برای ارائه راه حل‌های متناسب با کیفیت
- برای ارتباط مناسب پیمانکاران و تأمین‌کنندگان
- برای ثبت و ضبط مستندات در هر مرحله
- برای پیاده سازی شاخص‌های مدیریت زمان
- برای کنترل بودجه و هزینه نت پروژه

حفظ مزایا و قابلیت‌های مورد انتظار پروژه

پس از راه‌اندازی تیم مدیریت پروژه فرهنگی یا هنری، جهت پایش سیستمی در مراحل ایجاد یا اجرا، تدوین فرایند زیر در دستور کار قرار می‌گیرد:

- ثبات مدیریت پروژه و ایجاد متولی مسئول برای پروژه
- وجود استاندارد واحد و متدولوژی یکپارچه در همه ارکان سازمان
- ایجاد نظام آموزشی، پژوهشی، مهارتی و خدماتی برای پروژه به طور مشترک
- ایجاد منابع اطلاعاتی و ارتباطات واحدهای پروژه
- یکسان‌کردن فرایند گزارش‌گیری و کنترل مراحل اجرایی مطابق برنامه پروژه
- اطمینان و انطباق مراحل کیفی با تصمیمات و دستورات پروژه
- کاهش اثرات ریسک پروژه و آگاهی از فرایند مدیریت موانع و چالش‌ها
- همگامی

مدیریت زمان پروژه و تناسب بودجه و هزینه پروژه
- ثبت دستاوردهای مدیریت دانشی و ارزشی و هم‌نهادی تجربیات اجرایی پروژه
- رهیافت بهترین شیوه برای ارتباط درون و بیرون پروژه

ساختار و شکل‌گیری تیم مدیریت پروژه

الف- برای آنکه سازمانی پاسخگو و در عرض پروژه‌ها تشکیل شود، لازم است مراحل مختلف عملیاتی به صورت ماتریسی قوی، شرایط و ضوابط هر بخش از پروژه را به صورت شفاف، اجرایی و پایش نماید.
ب - سازمان‌های کارکرد وظیفه‌ای کوچک در بخش‌های مختلف پروژه فعال می‌شود، که اغلب پشتیبانی و تأمین نیروی انسانی و آموزش آنها و زنجیره تأمین نیازهای مرتبط با خدمات پروژه را دنبال می‌کنند.
ج - فازهای مختلف عملیات پروژه جهت هم محور قرار دادن اولویت‌ها و ارتقای توانمندی و برنامه ریزی هر فاز فنی - مهارتی یا تخصصی و سپردن منابع، فرآیندها، معیارها، روش‌های تدریجی توسعه پروژه حائز اهمیت است.

د - ساختار سازمان ماتریسی؛ دفتر مدیریت پروژه؛ برای شکل‌گیری ساختار عملیاتی، ابتدا به خدمات پروژه محور و اعلام وظایف دقیق فرد - وظیفه و سپس جایگاه مدیران میانی پروژه می‌پردازد و نتایج هر واحد را به شیرازه‌ی پروژه گره می‌زند. در آخرین گام، ماتریس ارتباطات و هماهنگی مدیران با مدیریت ارشد پروژه به عنوان ضرورت ترسیم می‌شود.

ه - سطوح پیاده سازی دفتر و تعاملات همزمان پروژه
- در سطح پروژه‌ها و برنامه‌ها؛ به پروژه کوچک یا بخشی از یک پروژه یا برنامه، خدمات مناسب ارائه می‌دهد.
- در سطح واحدهای اجرایی؛ به مجری و گروه اجرایی، خدمات متناسب عرضه می‌کند.
- در سطح تشکیلات جامع؛ به واحدها، مدیریت‌ها، ریاست و مدیریت ارشد، خدمات می‌دهد.
- در سطح گره‌گشایی و اهمیت کلیدی؛ به انواع دفاتر کوچک‌تر و سطوح کارکردی و بحران‌ها، خدمات مشترک و روشنگر برای ادامه مسیر بدون توقف، ارائه می‌نماید.

در نتیجه: ماتریس فعالیت و حرکت پروژه، نیازمند همگامی

همه اجزای اجرایی، فنی و خدماتی است و فقط مدیر یا مسئول یک بخش، عامل موفقیت در یک مرحله نیست بلکه، تطابق با برنامه‌های جامع، راهبردی، مدل توسعه و

سیاستگذاری مدیران به‌طور همزمان، در دستور کار دارد. {۱۰،۱۲}

مدیریت و کیفیت اثربخشی نظارت و ارزیابی

شناخت دقیق از معیارهای تعیین‌کننده چارچوب کیفیت که بتواند برای همه موارد از نگرش‌های کیفی، صادق و جامع باشد ارائه نشده است. فرهنگ‌های مختلف، کیفیت را به‌گونه‌ای متفاوت تعریف می‌کنند. مشاغل و تخصص‌های حرفه‌ای نیز نگاهی متفاوت به کیفیت دارند و انتظار از ارائه تعریف کاملی از آن، دور از واقعیت علمی و عملی است. در هر صورت و با هر نگرش مختلف که در تعریف کیفیت عرضه شده و می‌شود دو نکته اساسی وجود دارد، (مطلوبیت و تضمین محصول)؛ که در فرآیندهای مختلف این دو واژه خود نمایی می‌کند و ترکیب آنها واژه‌ای جامع‌تر با نام (استاندارد) می‌سازد. این واژه طی چهل سال گذشته در تمامی فرهنگ‌ها و صنایع، جایگاهی ویژه کسب کرده است و در زبان‌ها و جوامع مختلف، برداشت‌های مشترک و هم‌معیار از آن به‌وجود آمده است. در تعریفی دیگر از کیفیت، مجاورت دو واژه (مناسب و رضایت) را قابل قبول می‌دانند و هر محصولی که مناسب باشد و رضایت مصرف‌کننده را به دنبال داشته باشد با عنوان محصولی با کیفیت شناخته می‌شود. آیا در مفاهیم آموزشی، فرهنگی و هنری، کیفیت فرهنگ نظارت و ارزیابی نیز این چارچوب‌ها قابل اعتماد و دقیق هستند. نگرش‌های مختلفی در این راستا وجود دارد که به آنها اشاره می‌شود. در نگرشی مفهومی، بر مبنای آثار و محصولات فرهنگی می‌توان اصول و مبنای فرهنگ را به لحاظ کیفیت آثار، محصول و کیفیت فرهنگ نظارت و ارزیابی، به صورت دیدگاهی خلاصه و نوین با عنوان "کیفیت محصول فرهنگی" ارائه کرد. از سوی دیگر، کاربرد کیفیت در فرهنگ جایگاهی متفاوت از مفهوم را عرضه می‌کند که جنبه‌ی مصداق فرهنگی در آن آشکارتر است. در این شرایط، نگرش کاربردی از کیفیت، تأثیر مستقیم در برداشت فرهنگی از آن ارائه می‌کند، که محدوده کاربرد کیفیت فرهنگ نظارت و ارزیابی را در اولویت اثرگذاری قرار می‌دهد. در نگرشی دیگر بر مبنای تولید، جایگاه تولید کیفی یا کیفیت تولید مورد توجه واقع می‌شود که تولید کیفیت فرهنگی یا توسعه فرهنگ کیفیت را به دنبال خواهد داشت. چنانچه با نگرشی کیفی و عنایت به معیارهای کیفی، ارزش و جایگاه ارزشی مورد توجه باشد، کیفیت ارزش فرهنگ نظارتی یا ارزش کیفیت فرهنگ نظارت و ارزیابی، قابل وثوق و عنایت بهره‌گیران و متخصصان در فضای کیفیت خواهد بود. در این نگرش، نسبت مزایای کیفی حاصله از تولید ارزش فرهنگ نظارتی به زمان و هزینه مصرفی، تقریباً در محدوده "بهره‌وری کیفی فرهنگ نظارت و ارزیابی" قرار می‌گیرد که بسیار حائز اهمیت و توجه است. {۳،۵،۱۲}

سیستم‌سازی در بستر کیفیت فرهنگ نظارت و ارزیابی

دلایل زیادی برای ایجاد سیستم کیفیت در فضای علمی، آموزشی، فرهنگی و هنری در متن جامعه وجود دارد. این شواهد به سؤالاتی پاسخ می‌دهد که سیاست‌های جاری و راهبردهای تأثیر بر اجتماع را با توجه به مبنای ارتقای علمی، تحقیقاتی، مدیریتی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار می‌دهد. بدین جهت، نیاز به استقرار سیستم مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی با محوریت فرهنگ ضرورتاً مشاهده می‌شود. سیستم مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی یک عنصر حیاتی برای بقای جامعه و فرهنگ

جاری و ساری آن به شمار می‌رود. عرضه یک خدمت نظارتی یا ارائه فرایند ارزیابی با عنوان محصول یا کیفیت خواسته شده و رضایتبخش، می‌تواند شاخه‌های مختلف کیفی را در یک سیستم جامع کیفیت زاء، مورد توجه قرار دهد. برای این منظور سازمان ناظر و ضابط حفظ کیفیت، نسبت به ایجاد سیستم جامع طراحی، تولید، توسعه و مستندسازی کیفیت مستمر بر محور نظارت و ارزیابی مبادرت ورزد. اصول و فرایند مدیریت نظارت و زیرشاخه‌های آن به نام فریحات نظارتی در متن سیستم تعریف و لحاظ می‌شود تا با ارائه محصول یا خدمات به حفظ کیفیت در جایگاه مدیریت نظارت و ارزیابی کوشا باشد. {۳۸}

در این راستا، لازم است ساختاری مناسب و متناسب با جریان اطلاعات نظارت و دانش مدیریت، اقدام به ایجاد شاخه‌های برنامه‌ریزی، کنترل و نظارت، تضمین و بهبود، مطلوبیت و در نهایت استاندارد شاخص‌ها و معیارهای مدیریت کیفیت نظارت در قالب سیستم نموده و بهره‌گیری از آن را سازماندهی نماید. برای پیاده‌کردن نظام بهبود مستمر و به‌پویی مداوم جهت ایجاد سیستم جامع پایش یا کیفیت ارزشیابی و یا مدیریت کیفیت نظارت، اجزای ساختاری زیر مورد نظر و توجه خواهد بود:

- مطالعات پیوسته جامع برای تعریف محدوده‌های مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی کیفی انجام گردد و فهرست کاملی از نیازها و ضرورت‌های مرتبط با گرایش‌های مدیریتی ارائه شود.

- طبقه‌بندی شاخص‌ها و معیارهای اثرگذار بر فرهنگ نظارت به صورت کیفیت نظارت و ارزیابی، شفاف و صریح عرضه شود.

- روش‌های اجرایی و شیوه‌نامه‌ی بهره‌برداری از کمیت‌ها و کیفیت‌های نظارتی براساس مدل مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی، تنظیم و تدوین شود.

- روش نگهداری اطلاعات، تکمیل ضوابط و جایگزینی شرایط اجرایی، در مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی، تبیین و ارائه شود.

- کنترل کیفیت و نظارت جامع بر اجرای شاخص‌ها و معیارهای موثر، به طور مستمر اعمال شود.

- استانداردهای اجزای کیفیت بخش، برای یک سیستم کامل، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

- وظایف بهره‌برداران از سیستم جامع مدیریت کیفیت نظارت و ارزشیابی، جهت اطلاع واجدین شرایط، در چارچوب فعالیت فردی و سازمانی اعلام شود.

- چارچوب وظایف مدیران سیستم و مجریان معرف فضای پایش یا نظارت و ارزشیابی، به شیوه‌ی مستمر و منطبق با اقتضای زمان، اطلاع‌رسانی و اجرایی شود.

- "نظامنامه کیفیت نظارت و ارزشیابی" و به دنبال آن فرایند مدیریت کیفیت پایش سیستمی تنظیم، تدوین و برای متولیان سیستم در بخش‌های مختلف ارسال شود.

دستاوردهای توسعه فرهنگ نظارت و ارزیابی در پروژه:

لازم است، تولید فرهنگی و توسعه‌ی فرهنگ نظارت و ارزیابی بر پایه‌ی کیفیت با تأمین خواسته‌های جامعه در قالب اسناد و ارزش‌های استاندارد صورت گیرد. زیرا، نتایج آزمون‌های فرهنگی با توجه به قوانین و مقررات جامعه به فهرستی مستند تبدیل می‌شود. از طرفی، راهنمای

فرایند تولید و توسعه‌ی کیفی در الگوی کیفیت فرهنگی به شیوه‌ای قابل دسترس و قابل بهره‌برداری، به‌وجود می‌آید. گزارش‌های تحلیلی مستند مدیریت ارشد، در تأیید یا رد روش‌های جاری تولید و توسعه می‌تواند به تغییرات جزئی یا کلی در فرآیند روش‌های تولید آثار و محصول کیفی در فرهنگ مؤثر باشد. انحراف‌های مشاهده شده در کیفیت فرهنگی باعث می‌شود، مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی نظر خود را برای اصلاح به‌طور مستمر به سیستم مجری کیفیت، اعلام نماید.

اقدامات اصلاحی برای برطرف کردن علل عدم انطباق یا تطابق برنامه‌ها یا تولید محصولات فرهنگی یا روش‌های اجرا، مسؤولیت مدیریت کیفیت فرهنگی را یادآور می‌شود. ارزیابی‌های مکرر و مجدد باعث می‌شود بازنگری و تغییر در روش‌های توسعه و تولید آثار و محصولات قبل از انحراف، به صورت سیستماتیک به کیفیت ارزشی بدل شده و سازمان ایجادکننده سیستم در همه‌ی مراحل با اطمینان از اثربخش بودن روش‌های مدیریت کیفیت و نحوه‌ی مستند سازی و دستاوردهای آن، حمایت می‌نماید. این روش تلویحا به همیزی، نوآوری و اصلاح کیفیت فرهنگی منجر می‌شود که هدف اصلی آن نظارت بر بهبود اثربخشی بر همه جوانب سیستم است. اثربخشی و به روز بودن سیستم مدیریت کیفیت، اغلب از طریق شناسایی عوامل و کنترل نقاط ضعف سازمان و انحرافات موجود و بهبود آنها انجام‌پذیر است. استانداردسازی روش‌ها جامع‌ترین نوع تدوین برنامه‌ها و انتظارات مطلوب در سیستم مدیریت کیفیت فرهنگی است.

در این مراحل، برنامه‌ریزی، اجرا و مستندات نتایج همیزی شده، تغییرات فرهنگی را مطابق آخرین یافته‌ها تنظیم، تدوین و جایگزین می‌نماید. تعیین نقاط ضعف فرهنگی و بررسی نقاط قوت فرهنگ، در مرحله‌ی دوم تأثیر بسزایی در اصلاح سیستم و روش‌های توسعه و تولید آثار و محصولات خواهد داشت. مسؤولیت‌ها و تعریف حدود و صلاحیت اجرایی، همیسته به نظارت جامع بر اثربخشی دقیق و مطمئن در انتقال فرآیند توسعه و تولید فرهنگی خواهد بود. این صلاحیت‌ها نیاز به آموزش مستمر، پژوهش مداوم و پذیرش تأثیرات مهارتی در سیستم مدیریت کیفیت فرهنگ نظارت و ارزیابی می‌انجامد. صدور گواهینامه برای توسعه و تولید براساس تشخیص نیازهای آموزشی نیروی انسانی تخصصی در سیستم، برنامه آموزشی و مستند نمودن نتایج آزمون‌ها، به مستندسازی دستاوردهای آموزش و تأثیر آنها در توسعه‌ی کیفیت نظارتی و کنترل فضای مدیریت کیفی در تولید نظارتی ختم می‌شود که بسیار حائز اهمیت است. روش‌های ارتباط منظم اجزا و اعضای نظارتی در سیستم به ارتقای فرایند توسعه و تولیدات و حجم مبادلات نظارتی و تأمین خواسته‌های جامعه خواهد رسید. روش‌های کاری مناسب عملکردگرا از آن استخراج شده و به صورت شیوه‌نامه‌ی ابلاغی، به اطمینان از مراحل مختلف توسعه و تولید آثار و محصولات کیفی اعمال می‌گردد.

با در نظر گرفتن نیازها و ضرورت‌های کیفیت نظارت در مرحله‌ی اول از مدل‌سازی مدیریت کیفیت، می‌توان اهداف قابل تعقیب برای تأمین نیازها و پیاده‌سازی ضرورت‌ها را ترسیم نمود. در مرحله‌ی دوم، شناخت کیفیت و کیفیت ارزشیابی منجر به ارائه‌ی تعاریف مقبول از اصول و

مبانی نظارت منطبق با برنامه‌های مصوب جامعه در قالب قوانین و مقررات جاری خواهد شد. سیستم‌سازی در مرحله‌ی سوم، اثربخش‌ترین نوع بهره‌برداری و استقرار مبانی نظارتی به شمار می‌رود. روش‌های توسعه و تولید در فرایند کیفیت نظارت و ارزیابی به تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و راهبردی برای مجریان، تبدیل می‌شود. ترکیب و تناسب روش‌ها می‌تواند به تدوین و ارائه "نظامنامه‌ی تضمین کیفیت نظارت و ارزیابی" و به دنبال آن فرایند مدیریت کیفیت ختم شود.

فهرست عناوین تأثیرگذار به عنوان مؤلفه‌ها و شاخص‌های ایجادکننده روابط و هندسه‌ی اجزای نظارتی به ساختاری منسجم با عنوان مهندسی نظارت و ارزیابی مبدل می‌شود. برای نیل به این منظور، مدیران، مسئولان و متولیان مدیریت نظارت در جایگاه اول قرار می‌گیرد. به دنبال آن نظام تدوین اهمیت کیفیت این امور برای ایده، طراحی، تولید، اجرا و توسعه، به گسترش عملکرد مطلوب منجر می‌گردد. کنترل و نظارت، به عنوان بخشی از نظامنامه به کنترل فرآیند ارزشیابی اختصاص می‌یابد. شناسایی و ردیابی ارزش‌های کیفی و نوین در نظارت به تغییرات منطبق با مقتضیات زمان می‌انجامد. اقدامات اصلاحی، به هنگام همیزی آثار و محصولات و دستاوردهای نظارتی، اصول کیفی نظارت و مدیریت کیفیت را به بهره‌گیری از فرایند آموزشی و پژوهشی و اجرایی، برای حفظ ثروت سلامت آثار، افزایش و ارتقای کیفیت پایش سیستمی ترغیب می‌نماید.

معرفی و شناخت ابزار اندازه‌گیری معیارهای نظارتی، منجر به کدگذاری آثار و محصولات و ترغیب انتظارات ناشی از اجرای آنها خواهد شد. بدین منظور، طراحی آزمون‌ها و ارزیابی خطاهای احتمالی معیارها



یا شاخص‌ها، به حفظ و تثبیت اسناد یا اصلاح آنها خواهد انجامید. بازرسی در مراحل مختلف از محل اجرا، مراحل اجرا، دقت اجرایی، مسؤولیت‌پذیری، انتقال صحیح و کامل، توسعه و تولید در راستای نیازها و الگوشدن در بین روش‌ها، ارزش‌های کیفیت و مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی در راستای فرهنگ جامعه را آشکار می‌کند.

برآوردن انتظارات فرهنگی براساس مصوبات مراکز تصمیم‌گیری و مجریان ارشد نظارتی، در بلند مدت به رویه ای ممتاز در جامعه بدل خواهد شد. پذیرفتن تغییرات هم راستا با ابداعات، نوآوری و خلاقیت علمی و عملی برگرفته از دانش بومی، به اثربخشی، ثبت و گسترش معیارهای ثمربخش منتهی می‌شود. نظارت و کنترل سیستم اجرایی مدیریت کیفیت نظارت و ارزیابی، به ایجاد ارتباط بین واحدها، اجزا و مسئولین نظارتی خواهد رسید. در این مرحله شاخص‌های تولید محصول جدید رقم خورده و پایداری وضعیت کیفیت و روش‌های کاهش خطاهای نظارتی استخراج، ترسیم و تدوین می‌شود. در این شرایط خواسته‌های جامعه و نظام نظارتی با نیاز کیفی و ارزشی نظارت و ارزیابی فاکتورهای انسانی توأم می‌شود و منافع سازمان و سیستم جامع نظارتی را تأمین و تضمین می‌کند. بدین ترتیب مجموعه‌ای از اصول و مبانی اثرگذار بر سیاست‌های نظارتی و کیفیت نظارت با ماتریسی از اجزای مهندسی ارزشیابی، همراه خواهد بود. مهندسی ارزشیابی، حاوی نقشه‌ای از فعالیت‌های نظارتی مورد نیاز یک جامعه‌ی پویا و مبتنی بر اصول و مبانی نظارت را ترسیم، تدوین و عرضه می‌کند. در این نقشه مسیر، ایستگاه و جایگاهی برای ممیزی‌کردن تصمیمات، برنامه‌ها، آثار، طرح‌ها، تولیدات و توسعه فرهنگ نظارتی در نظر گرفته شده است. مدیریت کیفیت فرهنگی، ابزاری مناسب برای حفظ دستاوردها و مهندسی ارزشیابی، مطابق نقشه‌ی علمی، نقشه فرهنگی و مدل اجرایی در سطح ملی خواهد بود.

معیار تدوین شیوه‌نامه‌های نظارت و ارزیابی در عملکرد:

نحوه‌ی ممیزی شاخص‌ها و معیارهای نظارت می‌تواند محرک و انگیزه‌ای برای بهبود دستاوردهای سیستم باشد. شناسایی مشکلات و ارائه‌ی راه حل‌های اثرگذار بر مدیریت نظارتی و مهندسی ارزشیابی راهکارهای توسعه آفرین، می‌تواند در تأمین خواسته‌های جامعه و زنجیره‌ی نیازها قابل تأمل و تدبیر باشد. در این راستا، عناصر و شاخص‌هایی اثرگذار بر مدیریت پایش سیستمی و کیفیت نظارت و ارزیابی عملکرد مشاهده می‌شود:

- فرایند مدیریت کیفیت؛ در تمامی مراحل مدیریت پایش قابل تعمیم است.
- سیستم کیفیت نظارت؛ نیاز به مکانیزه کردن سیستم و تأمین اطلاعات کیفی دارد.
- کنترل قوانین و مقررات؛ ارزش جایگاه کیفیت نظارتی را آشکار می‌سازد.
- نظارت بر روش‌ها و اسناد؛ ویژگی تثبیت ارزش‌های مستند را معرفی می‌کند.
- پویا نمودن کیفیت؛ به خواسته‌ها و انتظارات جامعه پاسخ مناسب

می‌دهد.

- برنامه‌ریزی کیفی؛ فرصت را برای تثبیت مدیریت کیفیت فراهم می‌کند.

- ارتباطات کیفی؛ اجزای مختلف سیستم و افراد مجری را به هم مرتبط می‌نماید.

- تشخیص کیفی؛ فرصت ممیزی را برای آثار و محصول نظارتی، متناسب ارائه می‌دهد.

- کنترل فرآیند؛ موقعیت نظارت را بر مدیران کنترل و پایش سیستم فراهم می‌کند.

- آزمون کیفیت؛ باعث گسترش و پویایی سؤال و عرضه‌ی پاسخ کیفی را میسر می‌سازد.

- اندازه‌گیری کیفیت؛ به مدیریت کیفیت در قابل قبول بودن معیارهای کمی، کمک می‌کند.

- اقدام اصلاحی کیفیت؛ فرصت بازنگری شاخص‌های کیفی نظارت و ارزیابی را فراهم می‌کند.

- آموزش کیفیت؛ ارزش‌های دانایی و همکاری صحیح و قضاوت درست را ممکن می‌سازد.

- پژوهش کیفی؛ تحلیل و تفسیر علل تغییرات را با جرأت زیاد به مدیران می‌دهد.

- روش‌های آماری؛ اجازه‌ی مقایسه و ارزیابی داده‌های کیفی و کمی را میسر می‌سازد.

- بازنگری کیفی؛ فرصت بازبینی شاخص‌های حامل کیفیت را برای اصلاح فراهم می‌کند.

نتایج:

برای ارزیابی دقیق از فرآیند نظارت عمومی، مدیریت کیفیت، کیفیت نظارت و مدیریت کیفیت ارزشیابی، مراجعه به اثرگذاران نظارتی شامل: توده‌ی مردم، مراودات نظارتی، سازمان‌های نظارت محور، اندیشمندان و متفکران حوزه‌ی نظارت و ارزیابی و همچنین مدیران ارشد سازوکار ارزیابی عملکرد، می‌توانند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. عمده‌ترین تأثیرها به شرح جدول (۱) آمده است. همان‌گونه که در بخش دستاوردهای نظارت و ارزیابی ناشی از اعمال مناسب مدیریت کیفیت مطرح شد، تضمین بهره‌گیری صحیح از شاخص‌های مهندسی ارزیابی نیز وابسته به تدوین نظامنامه‌ی تضمین کیفیت نظارت و ارزیابی است. بنابراین، شناسایی و جمع‌آوری نیازهای کیفیت نظارت با ضرورت شناخت دقیق و جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و حتی دانش مرتبط با کیفیت نظارت و ارزیابی همراه خواهد بود. معیارهای تعیین‌کننده‌ی چارچوب کیفیت که به صورت جامع و مانع ارائه شدند، نکات اصلی فرایند پایش را در حوزه‌ی مطلوبیت، تضمین کیفیت و رضایت مناسب و متناسب با جایگاه ارزشی معیارها، ارائه می‌دهد. هدف نهایی از مهندسی ارزشیابی؛ طراحی، ارائه، اجرا، پشتیبانی، اصلاح، بهبود مستمر و بازنگری در حوزه‌ی سیستم‌سازی و نظارت بر عملکرد است. چنانچه الگوهای سیستمی بر اساس رویه‌ها و الگوهای باور فردی، باور جمعی و همگرایی جامعه باشد، محصول آن هم افزا و مبنای گسترش فرایند کیفیت نظارت و ارزیابی عملکرد خواهد بود.

جدول (۱) - تأثیر نقش شاخص‌ها بر نظارت و ارزیابی عملکرد پروژه‌های فرهنگی و هنری

ردیف	معیار/شاخص (عمده)	نقش نظارت	نقش مدیریت	نقش کیفیت	نقش مدیریت در ارزیابی پروژه‌ها
۱	اصول و مبانی دینی	تعیین چارچوب‌ها	اجرای صحیح	نگرش آیینی مستمر	تدوین شیوه‌نامه ارزیابی دینی
۲	اصول و مبانی ملی	تدوین چارچوب‌ها	اجرای مناسب	بینش خودباوری	تدوین شیوه‌نامه ارزیابی ملی
۳	زمینه‌ی آموزشی	انتقال دانش‌ها	تولید و توزیع	فهم عمیق از موضوع	تدوین شیوه‌نامه آموزش ارزیابی
۴	زمینه‌ی پژوهشی	کشف نکات پنهان	پایه مستندسازی	جستجوی دقیق	تدوین شیوه‌نامه پژوهش در ارزیابی
۵	زمینه‌ی اقتصادی	تأمین اجرائیات	کنترل هزینه	هزینه‌ی مطلوب	تدوین شیوه‌نامه تأمین هزینه
۶	زمینه‌ی اجتماعی	تضمین اجرا	کنترل زمان	ارتباطات دقیق	تدوین شیوه‌نامه اجرائیات ارزیابی
۷	خلاقیت و نوآوری	تکمیل اجرا	ضمانت باروری	تولید دانش مفید	تصحیح شیوه‌نامه جاری ارزیابی
۸	اصالت ارزش‌ها	تولید بارور	کنترل کیفیت	توسعه‌ی دانش مفید	تثبیت شیوه‌نامه جاری ارزیابی
۹	عدالت محوری	تولید تداوم	حفظ قوانین	توزیع دانش مفید	تحکیم شیرازه شیوه‌نامه ارزیابی دادگری
۱۰	مهارت‌های بکر	تولید ویژه	توسعه روش‌ها	انحصار دانش مفید	توسعه ضمیمه شیوه‌نامه ابداعات ارزیابی
۱۱	برنامه‌ریزی جامع	تضمین معیار	توسعه اطلاعات	تضمین اطلاعات مفید	ترسیم نقشه برنامه‌ریزی ارزیابی
۱۲	مسئولیت‌پذیری	مطلوبیت و رضایت	تضمین جایگاه	تضمین رضایت جمعی	تداوم مطلوبیت و تضمین جمعی هم افزا
۱۳	مبانی نظارت	سیستم‌سازی	بهره‌وری نظارتی	ترسیم محور عملکرد	تولید نقشه‌ی جامع مهندسی ارزیابی عملکرد

(مأخذ: نگارندگان، مدل س.ب. احمدی، ۱۳۸۸)

مطابق جدول (۱)، تأثیر نقش شاخص‌های عمده و اثرگذار بر نظارت، مدیریت و کیفیت، مورد توجه سیستم‌سازان در لایه‌ی نشانی اطلاعات و دانش را نشان می‌دهد. در ستون اول مؤلفه‌ها و شاخص‌های عمده بر مبنای تحقیق استخراج شده‌اند و در ستون دوم نقش نظارت و تأثیر آن بر این شاخص مورد بررسی واقع شده‌اند. در ستون سوم نقش مدیریت و هدایت‌گری نظارتی بر شاخص‌های عمده مورد بررسی و تحلیل کیفی قرار گرفته‌اند. در ستون چهارم نقش کیفیت بر اساس اصول کیفیت جامع بر شاخص‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند. ملاحظه می‌شود دستاوردهای این تأثیرات به سوی هدف‌گرایی جامع و بهره‌گیری مفید در همه‌ی موارد پیش می‌رود. بنابراین، با تأثیر نقش مدیریت کیفیت بر اساس استانداردهای ملی و جهانی بر شاخص‌ها و مؤلفه‌های عمده در فرآیند نظارت‌سازی، برنامه‌ریزی، طراحی، تدوین، انتشار و توزیع انواع شیوه‌نامه‌ها که مبنای آن نقشه ارتباطی اجزا و شیرازه‌ی آن در چارچوب سیستم‌سازی، مبتنی بر اصول و مبانی نقشه‌ی جامع مهندسی نظارتی، به مراحل تضمین سلامت عملکرد اجرایی نزدیک می‌شود. بر این اساس، مدیریت پروژه‌های فرهنگی و هنری با توجه به معیارهای قراردادی و عنایت به شاخص‌های اثرگذار قابل اجرا است. نتایج پروژه‌های فرهنگی و هنری می‌تواند از مؤلفه‌های تعریف شده، کمیت را به کیفیت و کیفیت را به کمیت تبدیل نموده تا بهره‌گیری و بهره‌وری از آن در عرصه آموزشی و اجتماعی تسهیل گردد.

منابع و مراجع

- ۱۰- Bryman, Alan; "Research Methods and Organization Studies"; Roulede, London, 1995.
- ۱۱- Turban, Efraim; "Information technology for Management: Transforming Organization in the Digital Economy" John Wiley & sons; LTD, 2003.
- ۱۲- Mintzberg, H. "Managerial work: Analysis from Observation", Management science, Oct. 1971.

- ۱ - احمدی، سید بدرالدین و همکاران؛ «برنامه آموزشی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری»، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲ - نوری، سیامک؛ «اصول و مبانی مدیریت و کنترل پروژه»،



نگاهی به پیدایش معماری نو در ایران

دکتر سیروس باور

مؤسسه علمی و فرهنگی فضا، ۱۳۸۸

کتاب «نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران» مدعی آن است که موضوعات معماری امروز را که به وجودآورنده‌ی محیط‌زیست مردم کشور ما به شمار می‌آیند با دیدی تحلیلی مورد مطالعه قرار داده، عوامل ایجادکننده‌ی آنها را لمس و خصوصیات‌شان را تجزیه و تحلیل می‌کند. همچنین خواست‌های جامعه‌ی امروز را بررسی کرده، امکانات حال و آینده را در نظر گرفته و با توجه به موضوعات فوق راه‌حل‌ها را ارزیابی و آنها را به صورت مکتوبی در مورد روند معماری معاصر ایران در اختیار علاقه‌مندان قرار دهد.

به باور مولف: یکی از مهم‌ترین رویکردها در بررسی تاریخ معماری ایران، رویکرد معماری معاصر است که از شکل‌گیری جامعه‌ی ایرانی - از مشروطه تا امروز - و حرکت آن از اندیشیدن و تعقل به سیاقی قدیم به امروزی فکر کردن و در رابطه قرار گرفتن با پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی شروع می‌شود تا به خلق معماری نوین و ایجاد فضاهای جدید برای انواع مختلف کارهایی که در دولت‌های پهلوی اول و پهلوی دوم مطرح بودند، برسد.

نویسنده بدین ترتیب حاصل مطالعات خود درباره‌ی روند معماری معاصر ایران را در کتاب حاضر ارائه کرده است. وی در تدوین کتاب، دو مطلب مهم را مورد توجه قرار داده است:

نقطه‌ی شروع که می‌تواند شامل سه مبدا به شرح زیر باشد:

- جنبش مدرن و پیدایی مشروطه‌خواهان

- شروع معماری شقاقی و لرزاده (مجلس شورای ملی و مسجد سپهسالار ...)

- معماری از سال ۱۳۰۰ به بعد (عصر پهلوی دوم)

تقسیم‌بندی براساس فعالیت‌های درون شهری و گسترش شهرهای کشور در واقع فعالیت‌های ساختمانی به دوره‌های تاریخی تقسیم‌بندی شدند، به‌طوری که از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ دوره‌ی یکم، از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ دوره‌ی دوم، از ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ دوره‌ی سوم، از ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ دوره‌ی چهارم و از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ دوره‌ی پنجم عنوان شده‌اند که این دوره‌ها نیز با تحولات سیاسی همزمان هستند.

معماران و کارهای آنها بررسی شده و شرح حال هر یک با معرفی بعضی آثار عمده‌ی مستندشان به شکل جداگانه آورده شده است. مولف در این بررسی می‌کوشد تا حد ممکن پیوستگی بحث را حفظ کرده و وحدت موجود در پیدایی معماری نو را بهتر ارائه کند.

قسمت بعدی از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۶ را دربر می‌گیرد که فهرست‌وار توضیح داده شده است، چرا که به نظر مؤلف این دوره هنوز به مفهوم متداول وارد تاریخ نشده است.

مؤلف متذکر می‌شود که وقتی در مورد معماری نو استدلال می‌کنیم، باید متوجه باشیم که موضوع فقط شامل مجموعه‌ای از فرم‌های نو نیست، بلکه نحوه‌ی جدیدی از تفکر است که نتایج آن هنوز مشخص نشده‌اند و این امکان وجود دارد که معنا و مفهوم اصطلاحات هنوز، همگام با موضوعی که از آن صحبت می‌کنیم شناخته شده نبوده و گسترش یا تعمیم آنها پیشرفتی نکرده باشد. بنابراین براساس این روش معماری عصر پهلوی اول کوشیده است چگونگی تکوین و تحول معماری سنتی و گذشته را به نظمی امروزی و مدرن برای جامعه‌ای که اندیشه‌ی امروزی را جایگزین روش گذشته ساخته است، بنماید. به نظر مولف بررسی روند معماری معاصر ایران و شناخت ساختمان‌های دوره‌ی پهلوی اول و دوم و آن چه به نام معماری در سطح شهرهای بزرگ ایران در جریان است، به ما کمک می‌کند در فهم مشکلات معماری امروز تلاش بیشتری داشته باشیم.

کتاب در سه فصل ارائه شده است:

- تأثیر روح زمانه در پیدایی معماری نو در ایران

- معماران ایرانی

- فعالیت‌های معماری بعد از انقلاب